



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

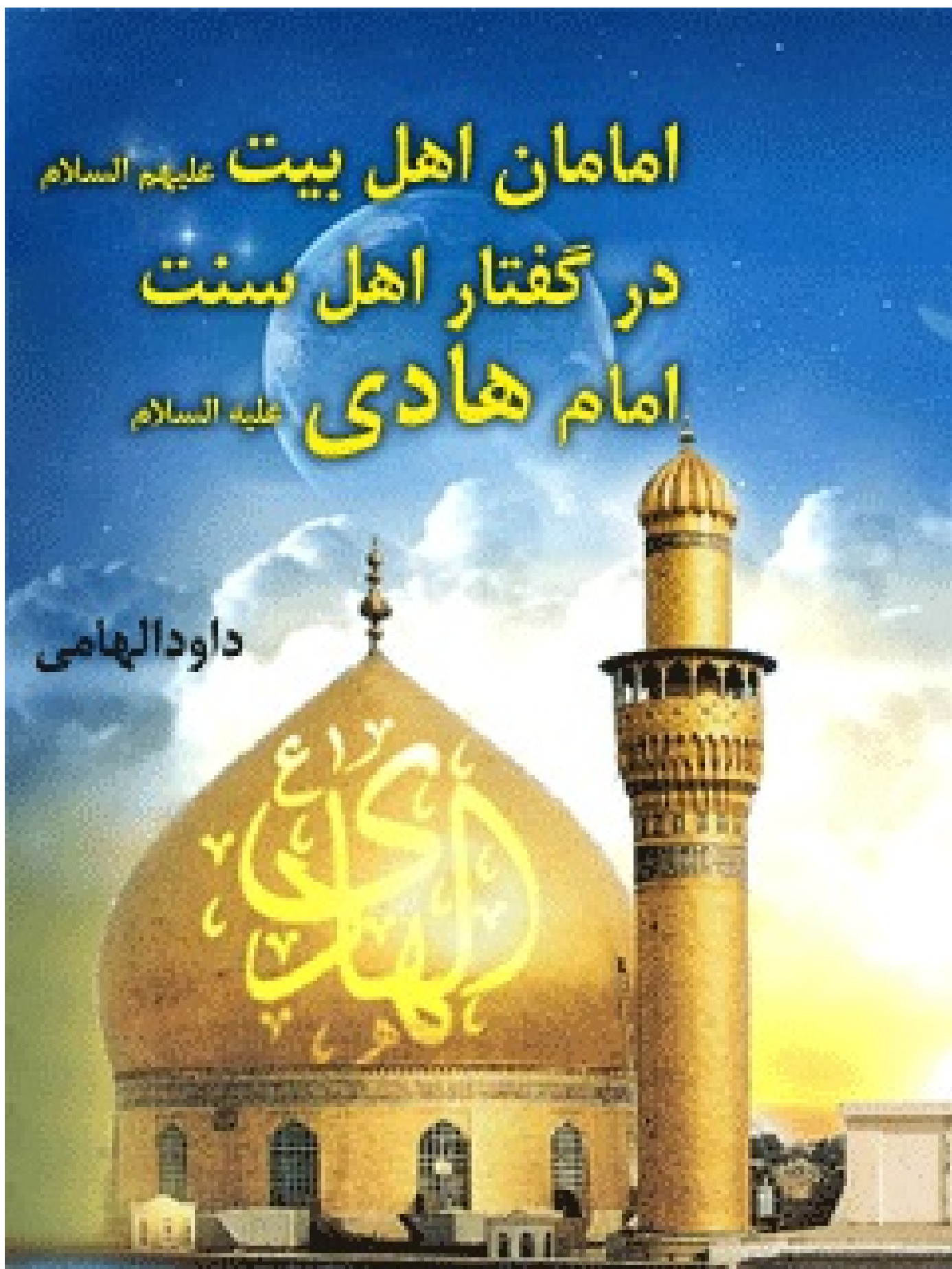
www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امامان اهل بیت علیهم السلام

در گفتار اهل سنت

امام هادی علیه السلام

داود الهامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت - امام هادی (ع)

نویسنده:

داود الهامی

ناشر چاپی:

مکتب اسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امامان اهل بیت علیهم‌السلام در گفتار اهل سنت - امام هادی (ع)
۶	مشخصات کتاب
۶	فضائل امام هادی
۶	ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی
۶	سبط ابن الجوزی حنفی
۷	احمد بن محمد ابن خلکان
۸	صلاح‌الدین خلیل بن ایبک الصفدی
۹	عبدالله بن اسعد الیافعی الیمنی
۹	احمد بن یوسف القرمانی
۹	علی بن محمد ابن الصباغ مالکی
۱۰	ابن روزبهان خنجی اصفهانی
۱۱	عبد الحی بن العماد الحنبلی
۱۱	خیرالدین الزرکلی
۱۱	احمد بن حجر الهیثمی المکی
۱۱	حافظ حسین کربلائی تبریزی
۱۲	شیخ مؤمن بن حسن مؤمن شبلنجی
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت - امام هادی (ع)

مشخصات کتاب

سرشناسه: الهامی داود، - ۱۳۱۶

عنوان و نام پدیدآور: امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت تحقیق و نگارش داود الهامی مشخصات نشر: مکتب اسلام ۱۳۷۷.

مشخصات ظاهری: ص ۵۲۸

شابک: ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۰۰-۷۱۲۵۰ ریال؛ ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۰۰-۷۱۲۵۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: ائمه اثناعشر -- فضائل موضوع: ائمه اثناعشر -- احادیث اهل سنت رده بندی کنگره: BP۳۶/۵ الف ۷ الف ۸

رده بندی دیوبندی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۵۹۰۵

فضائل امام هادی

ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی

(م ۴۶۳) صاحب کتاب «تاریخ بغداد» درباره‌ی امام هادی علیه السلام چنین گفته است: «علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، ابوالحسن الهاشمی اشخصه جعفر المتوکل علی الله من مدینه رسول الله صلی الله علیه و آله الی بغداد، ثم الی «سر من رأی» و أقام بها عشرين سنة و تسعة أشهر الی أن توفی و دفن بها فی ایام «المعتر بالله» و هو أحد من یعتقد الشیعۀ الإمامی: فیه و یعرف بأبی الحسن العسکری علیه السلام». «علی بن محمد بن علی... ابوالحسن هاشمی که جعفر متوکل او را از مدینه به بغداد و سپس به «سر من رأی» (سامرا) آورد و در آنجا بیست سال و نه ماه اقامت گزید تا این که در ایام خلافت «معتز» در همان شهر رحلت فرمود و در همانجا دفن گردید او یکی از کسانی است که شیعه‌ی امامیه به امامت او قائلند و به ابوالحسن عسکری معروف است». «خطیب» به سند خود از «محمد ابن یحیی معاذی» نقل کرده که «یحیی بن اکثم» در مجلس «واثق» که جمعی از فقهاء نیز حضور داشتند، گفت: «من حلق رأس آدم حین حج؟ فتعابى القوم عن الجواب...»: «چه کسی سر آدم را تراشید هنگامی که حج کرد؟ تمامی حاضرین جلسه از جواب عاجز ماندند». «واثق» گفت: من حاضر می‌کنم کسی را که جواب این سؤال را بگوید پس فرستاد به سوی حضرت هادی علیه السلام و او را حاضر کرد و پرسید که ای [صفحه ۴۴۸] ابوالحسن خبر بده ما را که چه کسی سر آدم را تراشید وقتی که حج گذاشت؟ فرمود: ای امیرالمؤمنین از تو می‌خواهم که مرا از پاسخ دادن به این سؤال عفو نمائید. گفت: تو را به خدا جواب بگوئید؟ فرمود: حالا که قبول نمی‌کنی، پس پدرم خبر داد مرا از جدم از پدرش از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: برای تراشیدن سر آدم جبرئیل مأمور شد یاقوتی از بهشت آورد و به سر آدم کشید و موهای سرش ریخت و به هر کجا که نور آن یاقوت رسید، آنجا حرم گردید [۱].

سبط ابن جوزی حنفی

(۶۵۴ - ۵۸۱ ه) درباره‌ی مهاجرت امام هادی علیه السلام به «سامرا» می‌نویسد: قال علماء السیر: «انما أشخصه المتوکل من مدینه

رسول الله الی بغداد لأن المتوکل کان یبغض علیا و ذریته فبلغه مقام علی بالمدينة و میل الناس الیه فخاف منه فدعی یحیی بن هرثمه و قال: إذهب الی المدينة و انظر فی حاله و أشخصه الینا». «علمای تاریخ نوشته‌اند: متوکل از دشمنان بزرگ علی علیه‌السلام و خاندان او بوده و چون به خلافت رسید از بیم آن که مبادا علی بن محمد الجواد در مدینه با حکومت او مخالفتی کند و مردم اطراف او را بگیرند. یحیی بن هرثمه را خواست و به او دستور داد به مدینه برو و از اوضاع مدینه و شخصیت علی بن محمد بررسی کن و او را نزد ما بیاور». «یحیی» می‌گوید: پس به مدینه رفتم دیدم مردم مدینه اطراف آن حضرت را گرفته و فدائی او هستند، زیرا حضرت هادی علیه‌السلام به آنها زیاد احسان می‌کرد و آن حضرت ملازم مسجد رسول خداست، و توجه به دنیا ندارد و دائم در حال روزه و نماز و تربیت مسلمانان می‌باشد. «یحیی» برای این که مقام و موقعیت امام را متزلزل کند، خدمت آن حضرت آمد و سوگند یاد کرد که خلیفه [صفحه ۴۴۹] نظر بدی به شما ندارد و میل دارد که شما را از نزدیک ببیند و لذا بهتر است در خدمت شما به سامرا برویم. «یحیی» می‌گوید: سپس منزل او را تفتیش کردم و در آنجا جز قرآن و دعا و کتاب چیزی پیدا نکردم و از این لحاظ در چشمم عظمتش بیشتر شد. به نزدیکانش احسان نمودم. و آن حضرت را از مدینه حرکت دادم و خودم شخصا عهده‌دار خدمت او بودم. «یحیی» می‌گوید: چون به بغداد وارد شدیم والی بغداد «اسحاق بن ابراهیم طاهری» بود ابتدا به دیدن او رفتم و چون او مرا دید، گفت: ای یحیی! این مرد (یعنی حضرت هادی) فرزند رسول خداست، و متوکل را تو می‌شناسی و عداوتش را با این خانواده می‌دانی؟ پس اگر چیزی بگوئی که متوکل به کشتن آن حضرت تحریک شود و او را به قتل برساند، پیغمبر در روز قیامت دشمن تو خواهد بود. «یحیی» گفت: قسم به خدا من بر چیزی از او که مخالف میل متوکل باشد، ندیده‌ام و هر چه دیدم تمامش خوب بود. و بعد وارد سامرا شدیم و ابتدا به دیدن «وصیف ترکی» رفتم، چون مرا دید، گفت: ای یحیی! به خدا قسم اگر موئی از بدن این مرد کم شود، پیش من مسؤول تو خواهی بود؟! پس تعجب کردم از کلام و صیغ ترکی و اسحاق طاهری که سفارش هر دو درباره‌ی حضرت هادی یکسان بود. فلما دخلت علی المتوکل سألنی عنه فأخبرته بحسن سیرته و سلامه طریقه و ورعه و زهادته و انی فتشت داره فلم أجد فیها غیر المصاحب و کتب العلم فأکرمه المتوکل و أحسن جایزه و أجزل بره و أنزله معه «سر من رأی» [۲]. «پس به نزد متوکل رفتم و وضع او را از من پرسید از حسن سیرت و سلامت طریقه‌اش و از ورع و تقوا و زهدش به متوکل خبر دادم و گفتم چون خانه او را بازرسی کردم جز قرآن و کتاب چیزی نیافتم، متوکل خوشحال شد و او را جایزه داد و در سامرا اسکان داد». [صفحه ۴۵۰] «سبط ابن جوی» می‌نویسد: «یحیی بن هرثمه» می‌گوید در این مدتی که امام در «سامرا» بود، «متوکل» سخت مریض شد و نذر کرد اگر بهبودی یافت، صدقه بسیاری دهد. چون شفا یافت، فقهای سامرا را جمع کرد و از آنها پرسید چه مبلغ باید صدقه بدهم که نذرم ادا شده باشد. علمای سامرا نتوانستند مشکل او را حل کنند ناگزیر فرستاد خدمت حضرت هادی علیه‌السلام و مسأله را با وی در میان گذاشت. حضرت فرمود: ۸۲ دینار صدقه بده تا نذر تو انجام شده باشد، «متوکل» پرسید این جواب را از کجا أخذ کردی؟ امام فرمود: از قرآن، آنگاه آیه‌ی (لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره و یوم حنین) تلاوت نمود و فرمود: «مواطن کثیره» اینجاست که پیغمبر ۲۷ غزوه و ۵۵ سریه جهاد کرد و آخرین غزوه‌ی پیامبر یوم حنین بوده و مجموع آنها ۸۲ غزوه و سریه می‌شود. «متوکل» دستور داد اموال بسیاری در اختیار حضرت هادی گذاشتند و گفت: به اختیار خود این اموال را صدقه بده [۳].

احمد بن محمد ابن خلکان

(۶۱۸ - ۶۰۸ ه) مؤلف «وفیات الأعیان» نیز گوید: «ابوالحسن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا... و هو أحد الأئمة الإثنی عشر عند الإمامیه، و کان قد سعی به الی المتوکل و قیل: إن فی منزله سلاحا و کتبا و غیرها من شیعتہ و اوهموه انه یطلب الأمر لنفسه، فوجه الیه بعدة من الأتراك لیلا...». «ابوالحسن علی هادی فرزند محمدجواد علیه‌السلام یکی از ائمه‌ی دوازده گانه نزد امامیه است

نزد [صفحه ۴۵۱] متوکل از او سعایت گردید و گفته شد که در منزل او اسلحه و نوشته‌ها و اشیاء دیگری است که از شیعیان او رسیده و برای به دست گرفتن حکومت قصد شورش دارد، متوکل عده‌ای را ناگهان به منزل او فرستاد و آنان شبانه به خانه‌ی او هجوم بردند ولی هر چه جستجو کردند چیزی به دست نیاوردند. آنگاه آن حضرت را در اطایقی تنها دیدند که در به روی خود بسته و جامه‌ی پشمین بر تن دارد و بر زمین مفروش از شن و ماسه نشسته و به عبادت خدا و تلاوت قرآن مشغول است. مأموران متوکل، امام را با همان حال که قرآن در لب داشت، نزد متوکل بردند. وقتی امام را وارد مجلس متوکل کردند او بزم شراب آراسته و جام شرابی در دست داشت و چون امام را دید، عظمت و هیبت وی متوکل را فرا گرفت و بی‌اختیار حضرت را احترام کرد و در کنار خود نشانید و جام شرابی را که در دست داشت، به آن حضرت تعارف کرد امام سوگند یاد کرد و گفت: گوشت و خون من با چنین چیزی آمیخته نشده است، مرا معذور بدار! او دست برداشت و گفت: پس شعری برای من بخوان! امام فرمود: من شعر کم از بر دارم. گفت: باید بخوانی، آن قدر اصرار کرد که حضرت این ابیات را که (منسوب به جدش امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است)، در آن مجلس خواند: ۱- با توا علی قلیل الجبال تحرسهم غلب الرجال فما اغتتهم القل ۲- و استرلوا بعد عز من معاقلهم فاودعوا حفرا یا بنس ما نزلوا ۳- ناداهم صارخ من بعد ما قبروا این الأسرة و التیجان و الحلل؟ ۴- این الوجوه التی کانت منعمه من دونها تضر الأستار و الکلل ۵- فافصح القبر عنهم حین سائلهم تلک الوجوه علیها الدود یقتل ۶- قد طالما أکلوا دهرا و ما شربوا فاصبحوا بعد طول الأکل قد أکلوا [۴]. ۷- و طالما عمروا دورا لتحصنهم ففارقوا الدور و الأهلین و انتقلوا [صفحه ۴۵۲] ۸- و طالما کنزوا الأموال و ادخروا فخلفوها علی الأعداء و ارتحلوا ۹- أضحت منازلهم قفرا معطله و ساکنوها الی الأجداث قد رحلوا [۵]. ترجمه: ۱- (پادشاهان) بر قلعه‌ی کوهسارها شب را به روز آوردند در حالی که مردان نیرومند از آنان پاسداری می‌کردند ولی قلعه‌ها نتوانستند آنان را (از خطر مرگ) برهانند. ۲- آنان پس از مدتها عزت از جایگاههای امنشان به زیر کشیده شدند و در گودالها (گورها) جا گرفتند که چه منزل و آرامگاه بدی! ۳- پس از آن که به خاک سپرده شدند، فریادگری فریاد برآورد: کجاست آن دست بندها و تاجها و لباسهای فاخر؟ ۴- کجاست آن چهره‌های در ناز و نعمت پرورش یافته که به احترامشان پرده‌ها می‌زدند. ۵- گور از طرف آنها پاسخ داد: اکنون کرمها بر سر خوردن آن چهره‌ها با هم به ستیزه برخاسته‌اند. ۶- آنان مدت درازی در دنیا خوردند و آشامیدند ولی امروز آنان که خورنده‌ی همه چیز بودند، خود غذای حشرات و کرمهای قبر شدند! ۷- چه خانه‌هایی ساختند تا آنان را از گزند روزگار حفظ کند ولی سرانجام پس از مدتی، این خانه‌ها و خانواده‌ها را ترک گفته به منزل قبر شتافتند! ۸- چه اموال و ذخائری انبار کردند ولی همه‌ی آنها را ترک گفته رفتند و آنها را برای دشمنان خود واگذاشتند! ۹- خانه‌ها و کاخهای آباد آنان به ویرانه‌ها تبدیل شد و ساکنان آنها به سوی گورهای تاریک شتافتند. «فبکی المتوکل بکاء کثیرا حتی بلت دموعه لحيته و بکی من حضره، ثم أمر برفع الشراب ثم قال: یا أباالحسن، أعلیک دین؟ قال: نعم. أربعه آلاف دینار فأمر بدفعها الیه و رده الی منزله مکرمًا» [۶]. «متوکل از شنیدن این اشعار به شدت گریست به طوری که اشک چشمش ریشش را تر [صفحه ۴۵۳] کرد حاضرین نیز به گریه افتادند. متوکل دستور داد بساط شراب را جمع کنند. از آن حضرت پرسید قرض داری؟ امام فرمود: چهار هزار دینار قرض دارم دستور داد این مبلغ را به او بدهند و او را با احترام به منزل خود باز گردانید».

صلاح‌الدین خلیل بن ابیک الصفدی

(م ۷۶۴هـ) صاحب کتاب «الوافی بالوفیات» می‌گوید: «علی بن محمد بن علی بن موسی... هو أبو الحسن الهادی بن الجواد بن الرضا بن کاظم بن الصادق بن الباقر بن زین العابدین، أحد الأئمة الإثنی عشر عند الإمامیه» «علی بن محمد... ابوالحسن هادی فرزند امام جواد... یکی از ائمه‌ی دوازده گانه نزد امامیه است». «صفدی» درباره‌ی موقعیت علمی امام هادی علیه‌السلام این داستان را نقل کرده است که: «کان المتوکل قد اعتل، فقال: إن برأت لأتصدقن بمال کثیر. فلما عوفی، جمع الفقهاء و سألهم عن ذلک، فأجابوه مختلفین.

فبعث الی علی الهادی علیه السلام. فقال: يتصدق بثلاثة ثمانین دینار قالوا: من أين لك هذا؟ قال: لأن الله تعالى قال: (لقد نصرکم الله فی مواطن كثيرة) (توبه، آیه ۲۵). و روی اهلنا ان المواطن كانت ثلاثة و ثمانین موطناً. «روزی متوکل بیمار شد و نذر کرد که اگر شفا یابد، تعداد کثیری دینار در راه خدا تصدق کند، هنگامی که بهبود یافت، فقها را جمع کرد و پرسید: چند دینار باید صدقه بدهم که بر آن «کثیر» صدق کند؟ فقها در این باره فتاوی مختلف دادند، متوکل ناگزیر مسأله را از حضرت هادی علیه السلام سؤال کرد. او پاسخ داد که باید ۸۳ دینار پردازد. فقهاء از این فتوا تعجب کردند و به متوکل گفتند از او پرسید این فتوا براساس چه مدرکی است؟ حضرت فرمود: خدا در قرآن می فرماید: (لقد نصرکم الله...) خداوند شما را در موارد «کثیر» یاری کرده است و از طریق ما اهل بیت روایت شده است که جنگها و سریه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۸۳ فقره بوده است» [۷]. [صفحه ۴۵۴]

عبدالله بن اسعد الیافعی الیمنی

(۷۵۵ ه) صاحب کتاب «مرآة الجنان» می نویسد: «أبو الحسن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی... کان متعبداً، فقیهاً، اماماً، استفته المتوکل مرة... و هو أحد الإثنی عشر الذین تعتقد الشیعة الغلاة عصمتهم...» [۸]. «أبو الحسن هادی فرزند محمد جواد... علوی حسینی... اهل عبادت، فقیه، و امام و پیشوا بود متوکل یک بار از او استفته کرد و او یکی از ائمه‌ی دوازده گانه‌ای است که شیعیان تدریجاً به عصمت آنها قائلند». (اگر منظور یافعی از شیعه، شیعه‌ی امامیه‌ی اثنی عشریه باشد که آنها را متهم به غلو کرده، در حقیقت به آنها تهمت زده است زیرا شیعه‌ی امامیه‌ی اثنی عشریه از غلات بیزاری می جویند و انگهی هرگز عقیده به عصمت ائمه‌ی اهل بیت عقیده‌ی غلو آمیز نمی باشد زیرا عصمت ائمه مانند عصمت انبیاء از آیات قرآن به وضوح استفاده می شود).

احمد بن یوسف القرمانی

(م ۱۰۱۹ ه) صاحب کتاب «اخبار الدول و آثار الاول» گوید: «و اما مناقبه فنیسه و اوصافه شریفه» [۹]. «مناقش گرانها و اوصافش شریف می باشد». [صفحه ۴۵۵]

علی بن محمد ابن الصباغ مالکی

(۸۵۵ - ۷۸۴ ه) «نورالدین ابن صباغ» فیه مالکی از اهل مکه مؤلف «الفصول المهمة لمعرفة الأئمة» درباره‌ی امام همام چنین نوشته است: [۱۰]. «فضل أبي الحسن علی الهادی قد ضرب علی المجرة قبابه و مد علی نجوم السماء اطنابه و ما تعد منقبة الا و له أفرها و لا تذكر مكرمة الا و له فضيلتها و لا تورده محمده الا و له تفصيلها و جملتها. استحق ذلك بما فی جوهر نفسه من كرم تفرد بخصائصه فكانت نفسه مهذبته و اخلاقه مستعذبة و سيرته عادلة و افعاله فاضلة و هو من الوقار و السكون و الطمأنينة و الفقه و النزاهة و الزهادة و النباهة علی السيرة النبوية و الشنشنة العلوية و نفس زكية و همه عالية لا يقاربها أحد من الأنام و لا يدانها...». «گنبد فضل ابوالحسن علی هادی بر کهکشانش سر زده شعاع فضائش تا ستارگان آسمانها امتداد یافته است و هیچ فضیلت و منقبتی نیست مگر این که افتخار آمیزترین آن پیش او است و برای این شایسته این فضیلت است که در جوهر ذات او کرامتی که در ویژگیهای آن یگانه است و سرستش پاکیزه شده از عیب و نقص، و اخلاقش خوش و شیرین و سیرت و روشش متعادل و افعالش با فضیلت می باشد او در وقار و سکون و طمأنینه و فقه و نزاهت و پرهیزگاری و دانائی و آگاهی مطابق روش پیامبر و خوی و عادت علوی بود و دارای سرشت پاک و همت عالی بود که کسی از مردم به آن حد نمی رسید». صاحب کتاب «الفصول المهمة» برای امام هادی علیه السلام با «متوکل» داستانهائی نقل کرده است و در این داستانهای کرامات و نشانه‌های آشکاری برای آن حضرت می باشد که ما در اینجا به

نقل یک مورد از آن اکتفاء می‌کنیم: «و عن علی بن ابراهیم الطایفی قال: مرض المتوکل من خراج خرج بحلقه [صفحه ۴۵۶] فأشرف علی الهلاک او لم یحسن أحد أن یمسه بحدید فنذرت «أم المتوکل» لأبی الحسن علی بن محمد أن عوفی ولدها من هذه العلة لتعطینه مالا- جلیلا- من مالها فقال الفتح بن خاقان للمتوکل: لو بعثت الی هذا الرجل یعنی أبا الحسن فسألته فربما کان یده فرج لک...». «علی بن ابراهیم طایفی» گفت: متوکل عباسی در اثر دملی که در بدنش بهم آمده بود، سخت بیمار شد چنان که در شرف موت بود کسی هم جرأت نداشت آهنی به بدن او رساند، مادرش نذر کرد اگر او بهبود یافت از دارائی خود پول زیادی خدمت ابوالحسن علی بن محمد بفرستد «فتح بن خاقان» (وزیر و منشی متوکل) به وی گفت: ای کاش نزد این مرد (امام هادی) می‌فرستادی او راه معالجه را می‌داند، متوکل شخصی را نزد حضرت فرستاد او داروئی تجویز کرد که حال متوکل خوب شد مژده بهبودی او را به مادرش دادند او ده هزار دینار نزد حضرت فرستاد و مهر خود را بر آن کیسه زد. «متوکل» چون از بستر مرض برخاست، «بطحائی علوی» نزد او از امام هادی سخن چینی کرد و جریان هدیه‌ی مادرش را گزارش داد. «متوکل» به «سعید» دربان خود گفت: شبانه بر او حمله کن و هر چه پول و اسلحه نزدش بود بردار و پیش من بیاور. «ابراهیم بن محمد» گفت: «سعید» دربان به من گفت: شبانه به منزل ابوالحسن رفته... آن حضرت را دیدم جبه و کلاهی پشمی در بر دارد و سجاده‌ی حصیری در برابر اوست. یقین کردم که نماز می‌خواند به من فرمود: اتاقها را هم بگردید، من وارد شدم و بررسی کردم چیزی نیافتم تنها در اطاق آن حضرت کیسه‌ی پولی با مهر مادر متوکل بود به من فرمود: زیر سجاده را هم بازرسی کن، چون آنجا را بازرسی کردم، شمشیری ساده و در غلاف، در زیر آن بود. آنها را برداشتم و نزد متوکل رفته چون نگاهش به مهر مادرش افتاد که روی کیسه‌ی پول بود، کسی دنبال مادرش فرستاد و مادر پیش متوکل آمد. [صفحه ۴۵۷] یکی از خدمتکاران مخصوص به من خبر داد که مادر متوکل به او گفت: هنگامی که تو بیمار بودی و از بهبودیت ناامید گشتم، نذر کردم اگر خوب شدی از مال خود ده هزار دینار خدمت او فرستم چون بهبود یافتی پولها را نزد او فرستادم و این هم بر روی کیسه مهر من است، متوکل دستور داد همه را خدمت آن حضرت برگردانم من کیسه را با شمشیر خدمتش بردم و عرض کردم: امیرالمؤمنین از این پیشامد اعتذار کرده و پانصد دینار هم بر آن مبلغ افزوده است سرور من امیدوارم مرا نیز عفو فرمائید من مأمورم و قادر به مخالفت امیرالمؤمنین نیستم، پس به من فرمود: ای سعید (و سیعلم الذین ظلموا أی منقلب ینقلبون) [۱۱] .

ابن روزبهان خنجی اصفهانی

(م ۹۲۷) در شرح صلوات بر حضرت امام علی نقی هادی می‌گوید: «اللهم و صل و سلم علی الإمام العاشر مقتدی الحی و النادی سید الحاضر و البادی، حارز نتیجه الوصایه و الإمامه من المبادی السیف الغاضب علی رقبه کل مخالف معادی کهف الملهوفین فی النوائب و العوادی قاطع العطش من الأكباد الصوادی، الشاهد بکمال فضله الأحباب و الأعادی، ملجأ اولیائه بولائه یوم ینادی المنادی أبی الحسن علی النقی هادی بن محمد «النقی» الشهید بکید الأعداء المقبور «سر من رأی». «بار خدایا درود و صلوات بفرست بر امام دهم مقتدای حاضر و بادیه‌نشین جمع‌کننده‌ی نتیجه‌ی وصایت و امامت از مبادی، شمشیر برنده بر گردن هر مخالفی که دشمنی کند، پناه ضعیفان و عاجزان در حوادث و نوائب روزگار، باز نشاننده‌ی تشنگی از جگرهای تشنه، کسی که بر کمال [صفحه ۴۵۸] فضل و بزرگیش دوستان و دشمنان گواه است، آن حضرت پناهگاه دوستان خود است به دوستی و محبتی که با ایشان دارند، کینه‌ی او ابوالحسن است و از جمله القابش «نقی» (یعنی پاکیزه از تمام عیوب) و «هادی» است آن حضرت شهید به کید دشمنان است. هنگامی که آن بزرگوار وفات فرمود، اضطرابی در «سر من رأی» افتاد که گویا صبح قیامت است و خلیفه و لشکر و اکابر بر در خانه‌ی آن حضرت آمدند و آن حضرت را در موضع «سر من رأی» در مشهد مقدس که منسوب به آن حضرت است، دفن کردند. و آن مزار مشهور است» [۱۲] .

عبد الحی بن العماد الحنبلی

(م ۱۰۸۹ ه) صاحب کتاب «شذرات الذهب فی أخبار من ذهب» در این زمینه نوشته: «أبو الحسن علی بن الجواد محمد بن الرضا علی بن الکاظم موسی بن جعفر الصادق العلوی الحسینی، المعروف بالهادی. کان فقیها، اماما، متعبدا و هو أحد الأئمة الإثنی عشر الذی تعتقد غلاة الشیعة عصمتهم کالأنبیاء، سعی به الی المتوکل و ساق نحو ما ذکره الیافعی فی مرآة الجنان» [۱۳]. «أبو الحسن علی فرزند محمد جواد.. حسینی علوی معروف به «هادی» فقیه، امام، عبادت کننده و یکی از ائمه‌ی دوازده گانه‌ای است که غلات شیعه مانند انبیاء به عصمت آنها قائلند [۱۴] نزد متوکل از او سعایت کردند. (همان مطلبی را که یافعی در مرآة الجنان آورده)، تکرار کرده و گویا از او گفته است». [صفحه ۴۵۹]

خیرالدین الزرکلی

(معاصر) مؤلف «الأعلام» درباره‌ی امام هادی علیه السلام به اختصار می نویسد: «علی، الملقب بالهادی، ابن محمد الجواد ابن علی الرضی بن موسی بن جعفر الحسینی الطالبی، عاشر الأئمة الإثنی عشر عند الإمامیة و أحد الأتقیاء الصلحاء...» [۱۵]. «علی، ملقب به هادی فرزند محمد جواد ابن... حسینی طالبی و دهمین امام از ائمه‌ی دوازده گانه نزد شیعه‌ی امامیه است و یکی از پرهیزکاران نیکوکار می باشد».

احمد بن حجر الهیثمی المکی

(م ۹۷۴ ه) قال فی الصواعق المحرقة: «کان أبو الحسن العسکری وارث ابيه علما و سخاء و من ثم جاء أعرابی من أعراب الکوفة و قال: انی من المتمسکین بولاء جدک و قد رکبني دین اثقلنی حملة و لم اقصد لقضائه سواک، فقال: کم دینک؟ فقال: عشرة آلاف درهم فقال: طب نفسا بقضائه إن شاء الله تعالی، ثم کتب له ورقة فیها ذلك المبلغ دینا علیه...» «ابن حجر» در «الصواعق» آورده: «أبو الحسن علی عسکری در علم و سخاوت وارث پدرش بود از اینجا بود که عربی از عربهای کوفه پیش او آمد و گفت: من از چنگ زده گان به ولایت جد تو هستم و دین سنگینی به دوش می کشم که حمل آن بر من سنگینی می کند و برای ادای آن جز تو کسی را قصد نکرده‌ام. فرمود: فرضت چقدر است؟ گفت: ده هزار درهم. حضرت هادی علیه السلام ادای دین او را به عهده گرفت و سپس به همین مبلغ ورقه‌ای نوشت و خود را بدهکار آن اعرابی ساخت. و به او اجازه داد در مجلس عمومی از او مطالبه نماید و استیفای آن سختگیری از خود نشان دهد. آن شخص این کار را کرد و حضرت از او سه روز مهلت خواست این خبر به اطلاع متوکل رسید و دستور داد سی هزار درهم به آن حضرت بپردازند و همین که [صفحه ۴۶۰] آن وجه به دست حضرت رسید، همه‌ی آن را به اعرابی داد. و او گفت: یابن رسول الله من ده هزار بیشتر بدهکار نیستم همین مبلغ برای من کافی است و بقیه مال تو باشد ولی حضرت نپذیرفت و اجازه نداد از آن سی هزار درهم چیزی به او برگرداند، اعرابی برگشت در حالی که می گفت: «الله أعلم حیث یجعل رسالته» [۱۶].

حافظ حسین کربلائی تبریزی

(م ۹۴۴ ه) درباره‌ی امام هادی علیه السلام می گوید: «ذکر امام الأنام و السید الهمام، مبین الحلال و الحرام، غوث الوری، بدرالدجی، صاحب الجود و النعم و الأیادی، أبی الحسن علی بن محمد بن علی ابن موسی النقی الهادی علیهم الصلاة و السلام». «وی امام دهم از ائمه‌ی اثنی عشر است، کنیت شریفش ابوالحسن (رابع) است و لقب منیفش نقی و زکی و هادی و فقیه و امین و طیب...». «کان

الهادی أبو الحسن علیه‌السلام متعبدا فقیها اماما عالما كاملا عاملا، و لما كثرت السعایة فی حقه عند المتوكل أشخصه المتوكل من المدینة الی بغداد ثم الی سر من رأى و اقره بها فقدمها و أقام بها عشرين سنة و تسعة أشهر الی أن توفی بها فی أيام المعتز...» «ابوالقاسم بن ابی القاسم بغدادی» روایت کرد از «زرافه» حاجب «متوكل» که گفت: مردی شعبده‌باز از هند پیش متوكل آمده و به حقه‌بازی مشغول بود او در کار خود بسیار چیره و وارد بود و حقه‌بازی مثل او ندیده بودند. متوكل به اینگونه چیزها علاقه عجیبی از خود نشان می‌داد خواست که امام علی نقی را در صحنه حاضر و خجل سازد، آن مرد را گفت که: اگر وی را خجل گردانی. تو را هزار دینار [صفحه ۴۶۱] بدهم. پس آن شخص گفت تا نانهای سبک پختند و بر خوان نهادند و حضرت امام علی نقی را حاضر کردند و آن مرد را نیز حاضر کردند و بر پس پشت حضرت بالشی نهاده بودند که روی آن صورت شیری بود، و آن بازیگر بر دیگر جانب بالمش نشست امام خواست نان برگیرد، آن مرد حرکتی کرد که نان از دسترس حضرت پیرید پس آن جماعت خندیدند، امام علیه‌السلام دست بر آن صورت شیر زد که بر بالمش بود و فرمود: او را بگیر. آن صورت از بالمش بیرون جست و آن مرد را فرو برده باز در آن وساده غائب شد به طریقی که بود آن قوم متحیر شدند، پس آن حضرت برخاست تا بیرون آید، متوكل اصرار بسیار کرد که می‌خواهم بنشینم و این مرد را باز آری. گفت: به خدای که بعد از این وی را نبینی، دشمنان خدای را بر اولیاء خدا مسلط می‌کنی؟! پس از نزدیک وی بیرون آمد، دیگر آن مرد را ندیدند، کرامت و خرق عادت وی زیاده از آن است که به تقریر و بیان گنجد. «و لیختم بالصلاة علی محمد و آله أجمعین الطاهرین» [۱۷].

شیخ مؤمن بن حسن مؤمن شبلنجی

(قرن سیزده) مؤلف کتاب «نور الأبصار» درباره‌ی کرامات حضرت هادی داستانهائی نقل کرده است که ما به ذکر یک نمونه آن اکتفاء می‌کنیم: «عن الأسباطی قال: قدمت علی ابی الحسن علی بن محمد المدینة الشریفة من العراق فقال: لی ما خبر الواثق عندك فقلت خلفته فی عافیة و أنا من أقرب الناس به عهدا و هذا مقدمی من عنده و تركته صحیحا فقال: ان الناس یقولون انه قد مات فلما قال لی ان الناس یقولون انه قد مات فهمت انه یعنی نفسه فسكت ثم قال: ما فعل ابن الزیات [صفحه ۴۶۲] قلت الناس معه...». «اسباطی روایت کرده که در مدینه نزد امام هادی علیه‌السلام رفتم به من فرمود از «واثق» چه خبر داری؟ گفتم: قربانت کردم او سلامت بود و من اخیرا او را دیده‌ام. حضرت فرمود: مردم می‌گویند او مرده است؟ گفتم: من از همه کس دیدارم به او نزدیکتر است؟ و چون فرمود: مردم می‌گویند، دانستم که مقصودش از مردم خود آن حضرت است. سپس فرمود: جعفر چه کرد؟ (مقصود جعفر بن معتصم، متوكل عباسی است) گفتم او در زندان به بدترین حالات به سر می‌برد. فرمود: آگاه باش که او هم اکنون خلیفه است. سپس فرمود: ابن زیات (وزیر واثق) چه شد؟ گفتم: مردم پشتیبانش بودند و فرمان او نافذ بود. فرمود: این قدرت برای او شوم بود، سپس خاموش شد و فرمود: به ناچار مقدرات و احکام خدا باید جاری شود ای خیران. واثق مرد و متوكل به جای او نشست و ابن زیات هم کشته شد عرض کردم: چه وقت؟ فرمود: شش روز پس از این که تو بیرون آمدی» [۱۸].

پاورقی

[۱] تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۶.

[۲] تذكرة الخواص، ص ۶۰ - ۳۵۹.

[۳] تذكرة الخواص، ص ۳۶۰.

[۴] و فیات الأعیان، ج ۲، ص ۴۳۵ - ش ۳۹۷ - مروج الذهب، ج ۴، ص ۹۴ - دیوان امیرمؤمنان علی، حرف اللام، ص ۷۹ - ۸۰.

[۵] و فیات الأعیان، ج ۲، ص ۴۳۵ - ش ۳۹۷ - مروج الذهب، ج ۴، ص ۹۴ - دیوان امیرمؤمنان علی، حرف اللام، ص ۷۹ - ۸۰.

- [۶] مروج الذهب، ج ۴، ص ۹۴ - وفيات، ج ۲، ص ۴۳۵ - نورالابصار، ص ۱۶۶ - تذکره الخاص، ص ۳۶۱.
- [۷] الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ص ۴ - ۷۳.
- [۸] مرآة الجنان، ج ۲، ص ۱۶۰.
- [۹] اخبار الدول، ص ۱۱۶.
- [۱۰] الضوء اللامع، ج ۵، ص ۲۸۳.
- [۱۱] الفصول المهمة، ص ۲ - ۲۸۱.
- [۱۲] وسیله الخادم الی المخدوم، ص ۲۶۲ - ۲۵۷.
- [۱۳] شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲، ص ۱۲۸.
- [۱۴] قائل شدن به عصمت ائمه‌ی اثنی عشر، غلو نیست.
- [۱۵] الأعلام، ج ۴، ص ۳۲۳.
- [۱۶] الصواعق المحرقة، ص ۲۰۵.
- [۱۷] روضات الجنان، ج ۲، ص ۳۸۵ - ۳۸۳.
- [۱۸] نورالابصار، ص ۱۸۲ - چاپ دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۹۸ هـ، ۱۹۷۸ م، و در حاشیه‌ی آن «اسعاف الراغبین» چاپ شده است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بَدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

